

پرسش ۶۲۴: رؤیای شخصی که بیمار است.

السؤال / ۶۲۴: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

الأستاذ الفاضل، لديّ رؤيا ومحتاج لتفسير شافي جزاكم الله خير.

حلمت بأني مريض ولا أستطيع الكلام ولا التحرك، فبعدها أخذوني أصدقائي إلى الطبيب وعندما وصلت إلى مكان جلست بصالة الانتظار وانتظرت كثيراً، وبعدها قالوا: تفضل اصعد للطابق الثاني، وعندما صعدت وجدت الدكتور وهو أسمر الوجه ملتحي ولايس دشداشة ولم تكن عيادة طبيب وإنما كانت صالة كبيرة ويوجد فيها مقام لأحد الصالحين

پرسش ۶۲۴: السلام عليكم ورحمة الله و بركاته.

استاد ارجمند، رؤیایی دارم و به تفسیری درست و قانع کننده نیاز دارم. خداوند به شما

جزای خیر دهد!

خواب دیدم گویی بیمار هستم و نمی توانم حرف بزنم و تکان بخورم. بعد از آن دوستانم مرا نزد پزشک بردند و وقتی به آن جا رسیدم در سالن انتظار نشستم و خیلی منتظر شدم. سپس گفتند: بفرما برو به طبقه ی دوم. وقتی بالا رفتم دکتری را دیدم که چهره ای گندم گون داشت و ریش دار بود و دشداشه (لباس عربی) به تن کرده بود. آن جا درمانگاه نبود بلکه سالن بزرگی بود و یکی از صالحین در آن جا جایگاهی داشت.

وبعد دقائق خرج من المقام حصان أبيض فتفاجأت وسألت الطبيب، قال: هذا

الحصان كان بالمقام، وبعدها قال الطبيب: سوف أضربك إبرة لكي تتكلم وتمشي

وتتعافى من المرض، فأنا قلت: إني أخاف من الإبرة، فتبسم وقال: سوف أعطيك

حبوباً، وأنا كنت لا أستطيع الكلام ولا المشي وبعدها تكلمت ومشيت وذهبت إلى

البيت

چند دقیقه بعد یک اسب سفید از آن جایگاه بیرون آمد. من جا خوردم و از پزشک سؤال کردم. وی گفت: این اسب در این جایگاه قرار داشته است. سپس پزشک گفت: یک آمپول به شما می‌زنم تا بتوانی حرف بزنی و راه بروی و از مرض بهبودی پیدا کنی. گفتم: من از آمپول می‌ترسم. تبسمی کرد و گفت: به شما قرص خواهم داد. من نه می‌توانستم سخنی بگویم و نه راه بروم و بعد از آن، حرف زدم و راه رفتم و به خانه عزیمت کردم.

وفي الطريق تذكرت أصدقائي فرجعت وقلت لهم: كم هي معاينة الطبيب؟ قالوا: خمسين كرونه، فتفاجأت؛ لأن المعروف هنا بالسويد أقل شيء خمسمائة، وبعدها ذهبت والحمد لله رب العالمين.

المرسل: حسين الموسوي - السويد

در راه به یاد دوستانم افتادم و برگشتم و به آن‌ها گفتم: معاینه پزشک چقدر شد؟ گفتند: پنجاه کرون. تعجب کردم چون در اینجا (سوئد) معروف است که حداقل پانصد کرون است و پس از آن رفتم. الحمد لله رب العالمين.

فرستنده: حسين موسوي - سوئد

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

وفقك الله لكل خير، معنى أنك مريض أي مريض روحياً؛ أي أنك لم تكن على الهدى، وأصدقائك أخذوك للطبيب أي شخص عرفك بدعوة الحق دعوة المهدي، والدواء هو العلم والمعرفة، والمستشفى أو المقام الذي رأيتَه هو موقع من مواقع الدعوة أو غرفة (البالتوك)، والحصان هو إنسان، ونتيجة الرؤيا أنك شفيت أي أنك إن شاء الله تهتدي إلى دعوة الحق وتنصر المهدي، وفقك الله وسدد خطاك.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! معنای این که شما بیمار هستی این است که به بیماری روحی دچار هستی، یعنی شما بر هدایت نبوده‌ای و دوستان شما را نزد پزشک یعنی کسی که شما را با دعوت حق یعنی دعوت مهدی (ع) آشنا کرده بود، برده‌اند. دارو نیز همان علم و معرفت است. بیمارستان یا جایگاهی که دیده‌ای نیز سایتی از جمله سایت‌های دعوت تالار گفت‌وگو (پالتاک) است.

اسب نیز انسان است. نتیجه‌ی رؤیا که شما شفا یافته‌ای این است که شما ان شاء الله به دعوت حق هدایت می‌شوی و مهدی (ع) را نصرت می‌دهی. خداوند شما را توفیق دهد و گام‌هایتان را استوار سازد!

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ.ق.

